

برادراتی

روایت کوتاه برای راهیان نور عراق



در میانه غوغای زائران اربعین حسینی علیه السلام که از ایران عازم عراق شده اند تا پا جای جابر ابن عبدالله انصاری رضی الله عنه بگذارند و در اربعین حسینی به میعادگاه عاشقان و عارفان برسند، عاشقان و عارفانی بوده اند که جان خود را فدای حفظ اسلام کرده اند و امروز امنیت زوار ایرانی و عراقی مدیون جانفشانی آنهاست.

اگر راهبان اربعین حسینی «راهبان نور حسینی» هستند چه زیباست که در کنار آن راهبان نور عراق برای شهدای مدافعان حرم و حریم اسلام در نظر گرفته شود.

در این بروشور کوچک و کوتاه برخی شهدا و اماکن مهم که در مسیر زوار اربعین قرار دارد و محل شهادت شهدای جهان وطن و عراقی جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه ایران و همچنین شهدای ایرانی و عراقی مدافع حرم است معرفی شده است.

امیدواریم در آینده نزدیک این مسیرهای راهپیمایی اربعین و سفرهای زیارتی عتبات عالیات به اردوهای راهبان نور در عراق برای پاسداشت شهدای مدافع حرم بدل شود. آمین.

۱: مسیر منتهی به مرز خسروی:

عملیات مرصاد نبردی بود میان نیروهای جمهوری اسلامی ایران و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که در مرداد سال ۱۳۶۷ چند روز پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ در گرفت. نیروهای نظامی موسوم به سازمان مجاهدین خلق از تنگه پاتاق تا منطقه چهارزبر در ۳۴ کیلومتری کرمانشاه را با سرعت خیلی زیاد طی کردند اما در نهایت نیروهای ایران پیروز شدند و عملیاتی که توسط سازمان مجاهدین خلق با نام «فروغ جاویدان» طرح ریزی و اجرا شده بود عملاً با شکست روبرو شد چراکه نیروهای ایران در جایی که نیروهایشان برتری نسبی داشت به کمین نشستند و در منطقه چهارزبر، با خاکریز و یک خط دفاعی مستحکم در انتظار ایشان بودند. یکی از گردان‌های عملیاتی در این جبهه گردان شهید صدر متعلق به سپاه بدر بود که تمامی اعضای آن را عراقی‌هایی تشکیل می‌دادند که از دست ظلم و ستم صدام به ایران گریخته بودند با دو تن از شهدای عراقی این گردان آشنا می‌شویم:

■ شهید جمال خماس عبدالحسین (أبو حسین النعیمی)؛ فرمانده شهید گردان شهید صدر رضی الله عنه

در سال ۱۹۵۶ میلادی (۱۳۳۴) در محله راغبه خاتون منطقه الاعظمیه بغداد به دنیا آمد. در آن منطقه رشد کرد و بزرگ شد. ابو حسین بسیار به زیارت بارگاه امام موسی



بن جعفر و نوه بزرگوارش امام جواد علیه السلام می‌رفت تا از نور ایمان و عزم و ثبات ایشان در راه حق سیراب گردد.

دوران ابتدایی و راهنمایی را به پایان برد سپس وارد دبیرستان شد اما سال آخر (ششم) را نیمه کاره رها کرد و بعد از آن به عنوان کارمند در شرکت کل واردات ماشین آلات و تجهیزات مشغول به کار شد. زمانی که صدام علفی در تاریخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ جنگ علیه همسایه مسلمان خود، ایران را آغاز و فرزندان عراق را مجبور به شرکت در جنگ کرد، جمال از جنگیدن امتناع ورزید و به دنبال فرصتی بود تا از شر جنگ رها شود و به رزمندگان بپیوندد. اخبار رزمندگان را از رادیو بیگیری می‌کرد و آرزو داشت همراه آنان در جهاد مقدس علیه بت عراق و حزب ننگین و منحوس او شرکت نماید. این موضوع را مخفی می‌کرد و تنها با گروهی که دغدغه‌ها و اندیشه‌های او را داشتند، در میان می‌گذاشت.

تابستان ۱۳۶۱ جنگ شدت گرفت و هزاران نفر در شهر آبادان قتل عام شدند. زمانیکه فرصت فراهم شد جمال و چهار تن از دوستان شهیدش تصمیم به ترک اردوگاه بیزید گرفتند. آنها جبهه باطل را ترک کردند و با وجود آنکه از عواقب این کار اطلاع داشتند و می‌دانستند اگر در راهی از قادسیه شرم آور موفق نشوند، اعدام در انتظار آنها خواهد بود.

۲۷ تیرماه ۱۳۶۱ شبانه عراق را ترک کردند و اگر فضل الهی نبود نزدیک بود جان خود را از دست بدهند. سالم و سلامت رسیدند و توسط سپاه پاسداران مورد استقبال قرار گرفتند سپس به شهراواز منتقل شدند. در اهواز همگی به تیپ چهارم گردان شهید صدر که ۲۶ بهمن ماه ۱۳۶۰ آغاز به کار کرده بود، پیوستند.

در عملیات قدس و عاشوراء که رزمندگان در هور هویزه انجام دادند شهید ابو حسین نعیمی نقش زیادی در آن داشت و در آسمان جهاد و نبرد شروع به درخشدن کرد و مسئولیت هایی از جمله فرمانده گردان، معاون فرمانده لشکر، فرمانده لشکر را برعهده گرفت و آخرین مسئولیت وی فرمانده گردان شهید صدر بود.

ایران موافقت خود با آتش بس را که اعلام کرد و جنگ به پایان رسید ابو حسین به ابومیثم صادقی در حالیکه اشکهایش بر روی محاسنش جاری شده بود گفت: بسیاری از دوستانم شهیده شده و من در این دنیای پست با وسوسه هایش مانده ام.

علیرغم آنکه ایران آتش بس را پذیرفته بود، اما صدام منافقین را به داخل ایران سوق داد. جنگ با دست نشانده‌های استکبار و قاتلان زنان، کودکان و افراد بیگناه نبرد سرنوشت سازی بود که آقای نعیمی گردان شهید صدر را به بهترین نحو فرماندهی کرد.

گردان شهید صدر با منافقان درگیر شدند اما شهید نعیمی همچون کوهی فریب بود؛ نترسید، کنار

نکشید و تردید نکرد تا لحظه شهادت و زمانیکه گلوله کینه به سرش اصابت کرد، اراده اش سست نشد و سرانجام در ۲۸ تیرماه ۱۳۶۷ از این دنیا کوچ کرد تا نام و یادش در خاطره رزمندگان باقی بماند و پرچمی راهنما بر سر راه آزادگان و رزمندگان باشد.

■ شهید حامد حسین محمد تقی المیلادی (أبو فاطمة المیلادی)

حامد در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۰) در شهر کاظمیه بغداد متولد شد. با وجود اینکه مدت کوتاهی را در جوار امامین شریفین گذراند و دیکتاتور جنایتکار (صدام) او را از آن دو بزرگوار و حتی از مادر و برادرانش - که در عراق ماندند - دور کرد ولی حامد از این دو امام، شجاعت و سخاوتمندی را فرا گرفت.



حامد و پدرش در سال ۱۳۵۸ و در حالیکه تنها ۸ سال داشت، به ایران گریختند. مزدوران بعثی به خانه آنها یورش بردند، آنها را به کلاتری بردند و پس از آنکه مدارک شناسایی شان را گرفته و اموالشان را مصادره کردند، به جمهوری اسلامی تبعید شدند.

با ورود به خاک جمهوری اسلامی ایران، پدرش زندگی در شهر اصفهان را انتخاب کرد و در آنجا دوره ابتدایی و کلاس اول دوره راهنمایی را گذراند. وی به جلسات قرآن کریم رفت و آمد داشت، و قاری برجسته ای شد و در چندین مسابقه مقام اول را کسب کرد و جوایزی را به دست آورد.

در حالی که هنوز نوجوانی بیش نبود رخت جهاد بر تن کرد و در ۱۶ فروردین ۱۳۶۶ داوطلب پیوستن به سپاه بدر شد، او وارد تیپ علی اکبر علیه السلام گردان شهید صدر علیه السلام شد که پس از عملیات شروق بصره به دستور رزمده مجاهد ابوذر الواسطی از جوانان تشکیل شده بود.

پس از پایان دوره آموزشی اما، پسران زیر هجده سال جدا شدند. ابو فاطمه به دلیل سن پایین با غم و اندوه نزد خانواده اش بازگشت؛ او پس از مدتی دوباره برای پیوستن به رزمندگان تلاش کرد اما مجدداً به همان دلیل رد شد. سپس از چند نفر خواست و وساطت کنند تا تقاضایش را قبول کنند.

درخواست داوطلبی او در ۱۵ خرداد ۱۳۶۷ پذیرفته شد. وارد تیپ امام موسی کاظم علیه السلام شد. هنگامی که بار دیگر لباس جهاد را به تن کرد، شادمان شد و سلاحش تقریباً روی زمین کشیده می شد، مشتاقانه منتظر یک وظیفه جنگی بود تا همچون مردان قوی در آن شرکت نماید.

در سوم مرداد ماه ۱۳۶۷ رزمندگان برای مقابله با عناصر سازمان تروریستی مجاهدین خلق که مرتکب جنایاتی علیه مردم عراق و ایران شده و دست اعضای آن به خون افراد بی گناه الوده گشته بود، آماده شدند. یکی از اهداف اصلی آنان در شهر کرمانشاه هدف قرار دادن مقرر رزمندگان عراقی بود اما رزمندگان سپاه بدر در یکی از شدیدترین جنگ های شناخته شده در تاریخ درگیری های نظامی، وارد

جنگ شدیدی شدند، همانطور که تیپ امام موسی کاظم علیه السلام و برخی از تیپ‌های دیگر با دشمن رو در رو شدند؛ در این نبرد، حامد در خون گلگون و پاک خود غلتید و در پنجم مرداد ماه ۱۳۶۷ با قلبی پاک و سرشار از صفا و اخلاص به سوی پروردگارش شتافت و پس از تشییع جنازه در مراسمی باشکوه در گلزار شهدای اصفهان به خاک سپرده شد.

۲. مسیر کربلا به کاظمین (بغداد)

محمودیه، لطیفیه و یوسفیه سه ضلع مثلثی هستند که به مثلث مرگ مشهور است. این سه شهرک در کنار جاده مواصلاتی کربلا به بغداد قرار دارد. این نامگذاری به دلیل شکار تعداد زیاد آمریکایی‌ها در این منطقه است. مین‌گذاری‌ها و عملیات‌های بی‌شمار گروه‌های شبه نظامی اهل سنت در این منطقه علیه نیروهای آمریکا دلیل این نامگذاری است. این منطقه از زمان اشغال عراق تا امروز جنگ‌های سختی را به خود دیده است.

در دوران فتنه داعش در عراق این منطقه، محل نفوذ مجموعه‌هایی از داعش قرار گرفت و نیروهای حشدالشعبی برای پاکسازی این مناطق وارد عمل شدند. اهمیت این منطقه به دلیل مجاورت با محور مواصلاتی بغداد به کربلا بود. تسلط بر این منطقه مانع از پیشروی داعش به سمت بغداد شد.

■ شهید حسام غالب جلیل السلطانی:

در خانواده‌ای متدین از اهالی منطقه جبله دیده به جهان گشود. سطوح ابتدائی و دبیرستان را در همان منطقه پشت سر گذاشت سپس وارد دانشکده علوم پایه در منطقه عزیزیه از توابع استان واسط شد.



او در دانشکده و خارج از آن به فعالیت‌های فرهنگی می‌پرداخت. اعتقاد و علاقه اش به مکتب امام حسین علیه السلام او را واداشت تا مجموعه‌ای به نام «جوانان حسینی» به وجود آورد. شهید حسام دارای استعدادی قوی در سرودن شعر داشت و از این موهبت در راه نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام بهره می‌برد.

در جریان بمب‌گذاری در مسیر زوارربعین و درحالی که با پای پیاده به سوی مرقد سید و سالار شهیدان در حرکت بود از ناحیه شانه راست دچار جراحی شد ولی علیرغم خون‌ریزی شدید فریاد می‌زد: لبیک یا حسین...

پس از ندای مرجعیت عراق از اولین نفراتی بود که به جبهات جنگ پیوست و به مدت پنج ماه در

هنگ خاتم الانبیاء به همراه مجاهدان گروه «انصار العقیده» در نبردهای مختلفی مشارکت کرد. در شب قدر سال ۲۰۱۴ جمعی از دوستانش که به قصد زیارت امیرالمومنین راهی نجف اشرف بودند. یکی از آنان به او می‌گوید: آیا به همراهان نمی‌آیی تا با امام بیعت کنیم؟ و او در پاسخ می‌گوید: نه، فردا مستقیماً با امام بیعت خواهیم کرد؛ و این چیزی بود که روز بعد و در کمال شگفتی به وقوع پیوست.

دوست و هم‌رمز شهید می‌گوید: زمانی که خبر شهادتش به ما رسید ساعت تقریباً ۲ بعد از ظهر بود. ما به سرعت به محل شهادتش در لطیفیه رفتیم اما امکان وارد شدن در منطقه و تخلیه اجساد مطهر شهدا وجود نداشت. قسمت این بود که پیکر حسام همچون مولایش امام حسین علیه السلام سه روز در میدان نبرد باقی بماند و سرانجام در شب چهارم پیکر شهید از میدان معرکه به عقب بازگشت و به زادگاهش جبله منتقل شد تا اینگونه اولین تشییع جنازه شهیدی از بسیج مردمی عراق در منطقه «جبله» برگزار شود.

شهید مصطفی عقیل کاظم الحمزاوی



مصطفی فرزند اول خانواده خانواده بود. او در منطقه صدر اول در دیوانیه و در خانواده‌ای دوستدار اهل بیت دیده به جهان گشود؛ از کودکی شجاع و بسیار باهوش بود تا حدی که در سن ۴ سالگی قادر به خواندن بود.

پدرش می‌گوید: در دوران کودکی هر زمان که پرچم عراق را مشاهده می‌کرد بر مکان مرتفعی می‌ایستاد و به پرچم سلام می‌داد. سرانجام وقتی پیکر مطهرش بازگشت همه ایستاده بودند تا به او سلام دهند. دیروز او سلام می‌داد و امروز همه بر او سلام می‌دادند.

او مدام دغدغه دفاع از وطنش را داشت و بعد از اولین حملات داعش همواره از پدرش می‌پرسید: چرا سید (آیت‌الله سیستانی) فتوای جهاد نمی‌دهد؟ اگر فتوای جهاد بدهد حتماً به او لبیک خواهیم گفت. پدرش به او می‌گفت تو هنوز کوچکی و باید ادامه تحصیل بدهی.

سرانجام مصطفی همه وسوسه‌های دنیا را زیر پا نهاد و به جبهه‌های شرف و کرامت پیوست و به صورت داوطلبانه برای دفاع از مراقد شریف ائمه عازم نبرد شد؛ او می‌گفت: قبل از آنکه دشمن به سرورم حسین علیه السلام برسد به استقبالشان خواهیم رفت.

در تاریخ ۲۰۱۴/۱۰/۱۰ برای آخرین بار خیر سلامتیش را به خانواده اش رساند و سرانجام در حالی که نماز مغرب را به جا آورده بود با انفجار مین در منطقه الیوسفیه به دیدار معبودش شتافت.

۳. مسیر کاظمین به سامراء

شهید منتظر وهیب الشغانبی



شهید منتظر در خانواده ای ساده در منطقه العوفیه دیده به جهان گشود. در مرحله ابتدائی ترک تحصیل کرد و به آموختن قرآن و صوت و لحن قرائت قرآن روی آورد تا اینکه قاری و مودن یکی از مساجد منطقه شد.

زمانی که ندای مرجعیت عراق را شنید در قالب گروه «انصار الله الاوفیاء» به جبهات جنگ شتافت. او به دلیل عشقش به جهاد و مبارزه، کمتر به خانه باز می‌گشت و مدام مرخصی هایش را بی استفاده رها می‌کرد و در عوض به بخش‌های مختلف جبهه در مناطق «العلم» و «بیجی» می‌رفت.

در منطقه الاسحاقی بود که در نبردی قهرمانانه موفق شد یکی از تک تیراندازهای داعش که در یکی از خانه‌ها پنهان شده بود را از پای درآورد.

او در وصیت‌نامه‌ای ویدئویی از خانواده‌اش می‌خواهد تا برای شهادتش دعا کنند و گفت: اگر خداوند شهادت را روزی من گرداند من دو جایگاه را در بهشت ضمانت می‌کنم: جایگاه اول برای من و جایگاهی دیگر برای مادرم که مرا برای جنگ و دفاع از مقدسات و وطن تشویق کرد.

سرانجام بعد از پایان آزادسازی محور و در یکی از درگیری‌ها در منطقه الاسحاقی روح مطهر او به سوی پروردگارش عروج کرد.

منطقه الاسحاقی در مسیر کاظمین جنوب شهر سامرا و در استان صلاح‌الدین عراق قرار دارد. شهر کوچکی که در کنار رودخانه دجله قرار دارد. این شهر سنی‌نشین در جریان اشغال مناطق جنوبی سامراء به دست داعش افتاد. ارتش و نیروهای مردمی عراق عملیات‌های متعددی در این منطقه اجرا کردند و در راه آزادسازی مناطق جنوبی سامراء شهدای بسیاری تقدیم کردند و سرانجام در سال ۲۰۱۷ این منطقه از دست تکفیری‌ها به طور کامل آزاد شد.

شهید سید حمید تقوی فر:



سید حمید تقوی فر در سال ۱۳۳۹ در روستای «ابودبس» شهرستان اهواز متولد شد؛ قبل از پیروزی انقلاب در برگزاری کلاس قرآن نقش داشت و در جلسات سخنرانی شیخ احمد کافی حضور پیدا می‌کرد.

در سال ۱۳۵۸ به عضویت سپاه پاسداران درآمد و مسئولیت‌هایی همچون فرمانده

سپاه سوسنگرد، فرماندهی سپاه شادگان، جانشینی قرارگاه رمضان در فعالیت‌های برون مرزی و عضو کمیته بازجویی از اسرا و افسران عراق بود.

از آنجا که ایشان عضو سپاه بود و قبل از شروع جنگ تمام تحرکات نظامی عراق را توسط نیروهای اطلاعاتی کنترل می‌کرد لذا می‌شود گفت مانند اکثر پاسداران و رزمندگان خوزستان از روزهای اول در جنگ حضور داشت. نه تنها ایشان که پدر و برادر ایشان هم در دفاع مقدس حضور داشتند و سر انجام هر دو بزرگوار به شهادت رسیدند. و سید حمید راه این دو شهید را همچنان ادامه می‌داد.

با شروع نبرد رزمندگان عراق با عمال سعودی و صهیونیستی داعش جهت آموزش و هدایت برادران مسلمان به کشور عراق می‌رود و در آنجا به ابو مریم معروف می‌شود. در تاریخ شانزدهم دی ماه ۱۳۹۳ پس از اقامه نماز ظهر عملیاتی به نام «محمد رسول...» آغاز می‌شود و با تعدادی از نیروهای رزمنده برای یاری رساندن به هم‌زمانش پیشروی می‌کند و بعد از رشادت بسیار در **نزدیکی سامراء در منطقه «عزیز بلد»** مورد اصابت گلوله تک تیرانداز داعشی قرار می‌گیرد و بعد از اینکه به هم‌زمانش وصیت می‌کند که عقب نروید و نگذارید زحمات بچه‌ها هدر برود و بعد از طلبیدن حلالیت به شهادت می‌رسد. در میان رزمندگان عراق او را به ابو مریم می‌شناسند و در چندین نقطه تندیس یادمان شهید تقوی فرساخته و نصب می‌باشد یادش گرمای راهش پررهو باد.

۴. سامراء

شهر سامراء در استان صلاح الدین و محل مدفن امامین عسگریین علیه السلام از اماکن مقدس شیعیان و مورد احترام شدید اهل سنت است.

نیروهای داعش از آغاز حمله به عراق تلاشهای مکرری را برای سیطره بر سامراء و تخریب حرمین موجود در آن انجام داده که با شکست مواجه شده است.

بدنبال حمله ناگهانی گروه تروریستی تکفیری داعش به مناطق حاشیه غربی شهر سامراء، نیروهای ارتش، پلیس و بسیج مردمی عراق طی پاتک‌های متعددی از نفوذ تروریستها به داخل شهر جلوگیری کردند. حملات داعش مطابق عادت معهود این گروه با حمله انتحاری آغاز شد که طی آن یک عامل انتحاری از اهالی درعای سوریه خود را در نزدیکی یکی از مقرهای ارتش عراق منفجر کرد.

بدنبال این حملات انتحاری، دهها نیروهای داعش حملات زمینی خود را در دو محور برای ایجاد شکاف در محور غربی شهر سامراء آغاز کردند. در مقابل نیروهای نظامی عراقی با اعزام واحدهای نظامی بیشتر به منطقه و حملات هوایی علیه خطوط تدارکاتی و مناطق استقرار نیروهای داعش حملات پی در پی داعش را دفع کردند. در این درگیریها بخش اعظم توان نظامی داعش منهدم شده و تلفات

انسانی سنگینی به آن وارد آمد.

■ شهید محمد هادی ذوالفقاری:



شهید محمد هادی ذوالفقاری، معروف به هادی ذوالفقاری در سال ۱۳۶۷، همزمان با سالروز شهادت امام هادی علیه السلام متولد شد و از همین رو نام او را هادی گذاشتند. او به حدی به امام هادی علیه السلام علاقه داشت که در شهر امام هادی علیه السلام یعنی سامراء به شهادت رسید.

شهید ذوالفقاری که در درگیری های فتنه ۸۸ جانباز شده بود، جهت دروس حوزوی به نجف رفت و پس از بروز تحولات عراق و بسیج نیروهای مردمی برای دفاع از عتبات عالیات به ویژه سامرا و حرمین عسکرین، به عضویت سازمان بدر عراق درآمد. در نهایت در ۲۶ بهمن سال ۹۳ چند روز پس از سالگرد شهادت شهید ابراهیم هادی، همان شهیدی که الگوی زندگی اش شده بود در **میکیشیفیه در شمال سامراء** صدای انفجار مهیبی عملیات انتحاری در بین سربازان عراقی آمد و مدافع حرم ابراهیم ذوالفقاری، در دفاع از حرم آل الله به مقام شامخ شهادت نائل آمد و به آرزویش رسید. این شهید بزرگوار یک هفته پیش از شهادتش وصیت نامه خود را نوشته و در آن ذکر کرده بود: دنیا رنگ گناه دارد؛ دیگر نمی توانم زنده بمانم.

به تازگی فیلمی از این شهید سرفراز کشور، در فضای مجازی منتشر شده است که در آن عنوان می کند: «آرزو دارم انتقام سیلی حضرت زهرا علیها السلام را بگیرم. وقتی من شهید شدم آنقدر بر سرمن یا حسین، یا حسین بگو تا امام حسین علیه السلام پیش من حاضر شود.» این شهید بزرگوار در جایی عنوان کرده بود: یک روز با خودم گفتم من زشتم! اگه شهید بشم هیچ کس برام کاری نمی کنه! اصلا کسی پیدا نمی شه برام پوستری طراحی کنه، تو دل خودم خندیدم و باز گفتم؛ کسی برای تو از این کارها نمی کنه بچه جون. خدا برایمان کاری اندازه محبتمان بکند.

■ شهید مهدی نوروزی:



شهید مهدی نوروزی در ۱۵ خرداد ۱۳۶۱ مصادف با نیمه شعبان به دنیا آمد و در روز شهادت امام صادق علیه السلام برای سومین بار راهی میدان جهاد شد و در ۲۰ دی ماه ۱۳۹۳ مصادف با روز میلاد رسول گرامی اسلام و رئیس مکتب شیعه در سامراء جام

شهادت را نوشید .

او از کسانی بود که در جریان فتنه ۸۸ در حالی که در حال خدمت در دادستانی بود مورد حملات شدید رسانه ای قرار گرفت و بعد از آن و با آغاز فتنه داعش چندین مرتبه جهت مبارزه با وهابیت تکفیری به عراق اعزام شد و هنگامی که فرماندهان سپاه قدس نبوغ نظامی و شجاعت کم نظیر او را دیدند، به عنوان فرمانده چند عملیات انتخابش کردند که هیچ کدام با شکست مواجه نشد و در آخر به عنوان فرمانده عملیات ویژه سامرا منصوب شد. او ملقب به اسد السامراء شیر سامرا بود. و در همین مقام به فیض شهادت نائل آمد.

شهید مهدی نوروزی در جمع دوستان همیشه با روحیه ای بشاش و شاداب و با لبخند حاضر می شد و در عین خلق و خوی خوشی که داشت همیشه وظایف خودش را مدنظر داشت و کوتاهی در انجام وظیفه نمی کرد .

عشق به اهل بیت و زیارت عتبات عالیات و همچنین توجه به برگزاری هیئات مذهبی در سطح شهر کرمانشاه از دیگر خصوصیات شهید مهدی نوروزی بود و پرچم ماتمکده حضرت زینب ع را به دوش خود داشت و توجه خاص به نماز اول وقت و ارادت ویژه به مقام معظم رهبری از دیگر نکات برجسته اخلاقی ایشان بود.

شهید مهدی نوروزی چند صبحی قبل از شهادتش در **سامرا**، تنها فرزند و کودک شیرخواره خود «محمد هادی نوروزی» را در آغوش گرفته و وصیت خود با او را میان خانواده و در مقابل دوربین بیان می کند :

«اگر ما یک روزی شهید شدیم و آقا محمد هادی این فیلم را دید انشا الله منتقم خون امام حسین ع است. انشا الله آمده است انتقام حضرت زهرا ع را بگیرد. انشاالله یار امام زمان ع، یار رهبر و یار آقای سید علی خامنه ای باشد. انشاالله همیشه مدافع نظام باشد. مدافع انقلاب باشد. تهدید بزرگی برای دشمنان نظام، انقلاب و اهل بیت ع باشد. وجودش خود تهدید [برای دشمنان] باشد»

شهید مکی رزاق محمد الجمالی



فرمانده شهید مکی الجمالی (ابو صدیقه) در جوار حرم امیرالمومنین ع در نجف اشرف دیده به جهان گشود. رشد و نمو در این شهر مقدس و در خانواده ای مجاهد و آگاه از او شخصیتی مومن و مبارز ساخت. او از بدو مبارزات شهید محمد صادق صدر به مبارزه و دفاع در کنار او پرداخت و تا سقوط رژیم طاغوتی صدام از پای ننشست. پس از تهاجم آمریکا به عراق و اشغال این کشور به صفوف مبارزه با اشغالگران پیوست و مسئولیت

واحد مهندسی را در تشکیلات جهادی عصاب اهل الحق برعهده گرفت و جوانان زیادی را در این راه تربیت نمود.

سپس در قامت فرماندهی مناطق مرکزی عراق ضربات مهلکی بر نیروهای آمریکایی وارد کرد. پس از آن به فعالیت‌های فرهنگی نیز روی آورد و وظیفه بصیرت افزایی و سرپرستی خانواده‌های شهدا را بر عهده گرفت.

پس از تهاجم نیروهای تکفیری به حرم حضرت زینب علیها السلام به صفوف مدافعان حرم عقیده بنی هاشم در سوریه پیوست و در جبهات متعدد عراق و سوریه به جنگ با داعش پرداخت و همراه سایر مجاهدان مقاومت اسلامی مانع از پیشروی تکفیری‌ها در منطقه النخیب و مناطق صحرایی غرب نجف شد. او به مجاهدت‌های خود در مقابل داعش ادامه داد تا سرانجام پس از واقعه پایگاه اسپایکر و در عملیات‌های **شمال سامراء** هدف انفجار خودروی انتحاری داعش قرار گرفت و به درجه رفیع شهادت دست پیدا کرد.

پاورقی

۱. شهدای بسیاری را می‌توان در این مسیرها معرفی کرد که به علت نبود اطلاعات عمومی دقیق امکان معرفی کامل آنها نیست؛ جنس عملیات‌ها و نحوه عملیات‌ها نیز نیازمند اهتمام نیروهای مسلح است که عملیات‌های مربوطه را هدایت کرده‌اند؛ به امید شکل‌گیری راهیان نور عراق و سوریه
۲. منابع: سایت‌های اینترنتی؛ کتابچه‌های معرفی شهدای حشدالشعبی عراق و با تشکر از مرکز اسناد مقاومت اسلامی عراق

